

طرحی نو در اندازیم

بیاییم ۸۹ را به سال رفع تهدیدهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بدل کنیم.



قیمت گذاری انرژی را نباید بر اساس معیارهای بین المللی پایه گذاری کرد. بلکه باید همراه با ایجاد محیط کسب و کار منطقی، بنگاه های مسئولیت پذیر بخش خصوصی را ترغیب نمود تا ارزش افزوده بر پایه انرژی ایجاد کنند.

گرده خمیده تولید

در شرایط کنونی، باید گفت که تولید در ایران از نمره مطلوبی برخوردار نیست و تولیدکنندگان با همه حمایت هایی که تاکنون از آنها صورت گرفته، از شرایط مناسبی برخوردار نیستند. حال بیاییم و مزیت های تولید را یکی پس از دیگری از تولیدکننده بگیریم و در این شرایط نابسامان اقتصادی، تولیدکننده ایرانی را در برهوتی از مشکلات رها کنیم؟ در این رابطه بد نیست به تناقض های سیاستی حاکم بر کشور اشاره ای کنیم. یک نمونه از این تناقض ها را می توان در خصوصی سازی شرکت های دولتی از یک طرف و اجرای سیاست های ناتوان کننده بخش خصوصی در طرف دیگر مشاهده کرد. اگر مراد تکاپوی بخش خصوصی و ارتقای اقتصاد به واسطه فعالیت این بخش است، نباید به انحای مختلف زمینه نابودی آنها را فراهم آوریم. هدفمندی یارانه ها با کیفیت کنونی به اذعان بسیاری از صاحبان بنگاه های تولیدی، به نابودی بخش تولید در کشور خواهد انجامید. در عین حال، تزریق یارانه ها به صورت مستقیم و آزادسازی قیمت ها به آنچنان تورهی می انجامد که نتیجه آن چیزی جز افزایش تعداد خانوارهای زیر خط فقر در کشور نیست.

در بررسی های مرکز پژوهش های مجلس، تورم ناشی از آزادسازی قیمت ها در دو سناریوی یکباره و پلکانی، به ترتیب ارقامی در حدود ۶۷ و ۲۹ درصد پس از چهار سال برآورد شده بودند. سؤال آن است که این تورم چه اثراتی را به همراه خواهد داشت؟

یکی از جواب های آن را باید در نظام بازرگانی کشور

نقطه نظرات گروه های موافق و مخالف است، نیاز به فرهنگ سازی و آماده سازی بسترها در فضای اقتصادی و اجتماعی کشور نیز می باشد. قطعاً چنین نتیجه ای در بازه زمانی یکی دو ساله محقق نخواهد شد. مهمتر آن که این "جراحی بزرگ" زمانی باید صورت گیرد که "بیمار" ثابت داشته باشد. در تورم و بیکاری نسبتاً بالا و رشد ناچیز اجرای چنین عملی خطرناک است. به علاوه و در حال حاضر، غالب صنایع کشور بر پایه انرژی ارزان مزیت پیدا کرده اند که افزایش قیمت آن، باعث مختل شدن روند تولیدی صنایع کشور می گردد. یقیناً کاهش شدید رشد اقتصادی، اولین پیامد منفی این امر خواهد بود. قطعاً به دنبال این مطلب و به دلیل افزایش هزینه ها، بنگاه های اقتصادی برای بقای خود در صنعت و اقتصاد دست به تعدیل نیرو خواهند زد که از این منظر، رشد بیکاری در کشور نیز افزایش خواهد یافت. در این بین، بی شک اجرای هدفمندسازی یارانه ها در درجه اول منجر به افزایش درآمدهای دولت - به عنوان منابع توسعه عمرانی و زیرساختی و در نتیجه توسعه اقتصادی کشور - می شود، اما فراموش نشود که افزایش قیمت حامل های انرژی که منجر به رشد هزینه تولیدکنندگان می گردد، ریسک رشد حجم اقتصاد غیررسمی را در کشور، به دلیل افزایش فرارهای مالیاتی شدت می بخشد که این اتفاق با کاهش درآمدهای مالیاتی، وابستگی بیشتر اقتصاد را به درآمدهای نفتی تشدید می کند. متأسفانه اقتصاد نفتی حال حاضر ایران، اقتصادی دولت محور است که ناموفق بودن سیاست های خصوصی سازی و عدم بهره مندی از مردم در اداره اقتصاد از تبعات منفی آن به حساب می آید.

از سوی دیگر، «اقتصاد ایران» همیشه این نکته را گوشزد کرده است که "مزیت نسبی" کشور ما در انرژی است و

به پایان آمد این دفتر، حکایت همچنان باقی است. سال ۸۸ هم به سر رسید و برگی دیگر از دفتر اقتصاد ایران ورق خورد. چه کاشتیم؟ چه برداشتیم و چه انباشتیم؟ زمانی که تاریخ کشورمان را مرور می کنیم به روزهای روشن و تاریک فراوانی بر می خوریم، اما آنچه هرگز از تمام صفحات محو نخواهد شد، امید به رشد میهن برای فردایی روشن است. ماحصل تلاشمان در سالی که گذشت، رشد اقتصادی ۱/۵ درصدی در مقایسه با میانگین ۲/۷ درصدی، تورم ۱۳ درصدی در مقایسه با نرخ ۷ درصدی و بیکاری ۱۴/۵ درصدی در مقایسه با نرخ ۱۳/۲ درصدی در منطقه خاورمیانه است. با نگاهی به آثار بحران جهانی بر بسیاری از کشورهای دنیا، درمی یابیم که سال ۸۸ در کشور ما - علیرغم تأثیرپذیری اندک اقتصاد ایران در مقایسه با کشورهای دنیا - از وضعیت چندان قابل تعریفی برخوردار نبوده و انتظار بیشتری از آن می رفت.

متأسفانه مشکلات اقتصادی کشور بسیارند و مسأله ناراحت کننده آن است که علیرغم بیان راهکارها، توجهی لازم برای رفع آنها صورت نمی گیرد. سالیان متمادی است که اکثر قریب به اتفاق اقتصاددانان کشور مسأله اتکا به درآمدهای نفتی را مورد انتقاد قرار داده و راهکارهای دستیابی به درآمدهای ملی با ثبات را بیان نموده اند. همواره به این مشکل اشاره شده که اقتصاد وابسته به نفت، علاوه بر کاهش ثروت های طبیعی کشور که باید برای نسل های بعدی به میراث گذاشته شوند، تبعات منفی بسیاری بر اقتصاد بلند مدت بر جای می گذارد که پیامدهای آن بر هیچ کس پوشیده نمی باشند. به دفعات بیان شده است که استفاده از درآمدهای نفتی نه برای مخارج جاری، بلکه باید در راستای سرمایه گذاری های مالی و اقتصادی و توسعه زیرساخت ها - که به رشد و توسعه اقتصادی منجر می شوند - در نظر گرفته شود که متأسفانه اینگونه نیست.

البته دستگاه های اجرایی هم تلاش خود را کرده اند ولی مدیریت جامعی صورت نگرفته است. به عنوان نمونه، قیمت ارز، روابط خارجی و افزایش مستمر قیمت تمام شده داخلی بازدارنده صادرات غیر نفتی بوده است. سال ۸۹ سال حکمفرمایی کاهش یارانه ها است. بحث یارانه ها از زمان بعد از جنگ در بسیاری از محافل و رسانه ها و حتی برخی از مؤسسات تحقیقاتی رواج داشته و نقطه نظرات گوناگونی در ارتباط با آن بیان شده است. این که یارانه ها توان اقتصادی کشور را از بین می برند، کاملاً درست، بجا و منطقی است، اما مسأله آن است که برای اجرای چنین طرح عظیمی در اقتصاد، علاوه بر برنامه ریزی های کارشناسانه که نیازمند درج غالب

از گذشته تا آینده اقتصاد ایران

شاخص	۸۶	۸۷	۸۸*	۸۹*	۹۰*
رشد اقتصادی	۶/۷	۲/۳	۱/۵	۲/۵	۴/۲
نرخ تورم هیأت چشم انداز ماهنامه	۲۲/۱	۲۷/۲	۲۰/۵	۲۱/۵	۲۲/۴
نرخ بیکاری هیأت چشم انداز	۱۶/۰	۱۴/۶	۱۴/۶	۱۵/۰	۱۵/۲
رشد کل سرمایه ناخالص	۶/۶	۵/۶	۰/۰	۲/۴	۵/۲
رشد بهره وری کل عوامل تولید	-۰/۳	-۰/۵	-۰/۷	-۰/۳	۰/۱

* برآورد و پیش بینی

منبع: واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»

آتی، سال واردکننده‌ها باشد، چرا که دولت‌های کشور ما ثابت کرده‌اند که تنها سلاحشان برای جنگ با تورم، واردات است و بس! این امر در کنار پیش‌بینی‌های اقتصاددانان برای تورم ۳۰ تا ۴۰ درصدی در سال اول اجرای طرح، دروازه کشور را بیش از پیش به روی کالاهای بی‌کیفیت و ارزان قیمت وارداتی باز خواهد کرد و در یک ارتباط تنگاتنگ و دو طرفه، شکست تولید را در کشور به همراه خواهد آورد. در نتیجه تولیدکننده ایرانی برای بقا در بازار، به سمت واردات رفته و خود واردکننده می‌شود.

در کنار همه موارد فوق، الزام دولت‌ها به رعایت قانون به همراه انضباط مالی و بودجه‌ای از نکاتی هستند که باید مورد توجه قرار گیرند. متأسفانه گزارشات تفریح بودجه در دو دهه گذشته حکایت از عدم پایداری دولت‌ها به بودجه و انحراف از برنامه‌ها دارند که این مسأله باعث نگرانی است.

از سوی دیگر، راهکارهایی همچون تقویت نظام مبتنی بر شایسته‌سالاری و ارج نهادن به نیروی متخصص انسانی در کنار احترام به کارآفرین و سرمایه‌گذار به رفع بخشی از مشکلات جامعه کمک خواهند کرد. این موضوع همت همه دولت‌مردان کشور را می‌طلبد و سیاست‌های توسعه متوازن را در همه ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی طلب می‌کند.

یادگیری‌های سیاسی

سال ۸۸ سال یادگیری سیاسی بود. وقایع پس از انتخابات ریاست جمهوری، اگر چه در جای خود تلخ و تأسفبار بودند، اما به عنوان کلاسی برای سیاست‌ورزان کشور، موجب آسیب‌شناسی و "راه‌کاریابی" شدند. یادگیری از اصول مردم‌سالاری به ما می‌آموزد که احترام به این اصول از جانب همه افراد و تعریف درست از مبانی ارزشی و قانونی، تقابلات سیاسی را به حداقل خواهد رساند. عدم حاکمیت احزاب یکی از ضعف‌های تحکیم دموکراسی و رواج گفت‌وگو بین جناح‌های رقیب در ایران است.

قضایات تک‌تک افراد جامعه از کارکردهای سیاسیون و برآورد این کارکردها در راستای رشد و توسعه - نه شعارهای تبلیغاتی و مبارزات گروهی - منجر به رفع سوء تفاهم‌ها در عرصه اجتماع خواهد شد. شعارهای تبلیغاتی انتخابات که غالباً حول محور اقتصاد و اثرات آن است، همواره از معایب این شکل از سیاست‌ورزی است. همه ما فرزندان این خاک هستیم و اعتدالی ایران باید اولین نیت همه ایرانیان باشد. این نگاه منجر به وحدت و همدلی در عرصه‌های علمی، اقتصادی و اجتماعی خواهد شد. در این راستا بیاییم با تأکید بر احترام متقابل همه جناح‌های سیاسی، رعایت مواردی

همچون احترام و اعتقاد به اصول قانون اساسی به عنوان سند محکم نظام، حفظ آبروی افراد و رعایت کامل حقوق شهروندی، تلاش در جهت آبادانی ایرانی سربلند به عنوان وظیفه تک‌تک ایرانیان، اعتماد متقابل مردم و مسئولان - چه آنان که در مصدر وظیفه‌اند و چه آنان که عمری را در راه اعتدالی نظام سپری کرده‌اند - صداقت در گفتار و رفتار مسئولان و تلاش در جهت معرفی ایران به عنوان کشوری ممتاز در منطقه و جهان، شرایط را برای ایجاد شور و نشاط ملی در کشور فراهم کنیم. ناامنی اقتصادی، فرار سرمایه‌ها و نخبگان جوان، حکایت کشور در سال ۸۸ و حکایت "بازی روی بند" بود که هراس شرایط ریسک‌آمیز را در دل‌ها ایجاد کرد. اما این هراس با همدلی و یکدلی عموم مردم و مسئولان به امید بدل خواهد شد. شک نیست که نظام مردم‌سالاری دینی ایران مبتنی بر اندیشه‌ای است که ماحصل قرن‌ها تلاش و مبارزه است. مردم و مسئولانی که از جنس همان مردم هستند، دلسوز نظامند. در تمام دموکراسی‌های مدرن دنیا نیز اختلاف سلیقه امری عادی است. مردم با حضور در حرکت‌های مردمی خود نشان داده‌اند که با اصل نظام سازگارند. به طور حتم، وحدت مردمی به همبستگی مسئولان و اتحاد ملی منجر خواهد شد. انشاءالله و عیدتان مبارک! ■

صنایع ایران، تحلیل ۸۸ و چشم‌انداز ۸۹

"سال به سال: دریغ از پارسال"

ارزیابی دکتر مرتضی بهشتی، رییس سابق کنفدراسیون صنعت ایران و عضو شورای سیاست‌گذاری ماهنامه «اقتصاد ایران»، از مشکلات صنعت



سال ۸۸ سالی سخت برای صنعت کشور، مخصوصاً صنعت بخش خصوصی بود. واردات رسمی و غیر رسمی کالاهای صنعتی، مشکل تحریم‌ها و نیاز به نقدینگی بیشتر در صنایع برای خریدهای ارزی مواد اولیه و قطعات از طریق صرافی‌ها - به جای گشایش اعتبار بانکی که معمولاً با درصدی از مجموع خرید انجام می‌گرفت - بالا بودن هزینه‌های تولید به علت تورم داخلی و دلایل بسیار دیگر سبب شدند تا صنعت کشور با رکود تولید مواجه شود. چالشی که چند ماه قبل با مطالعه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن که نشان می‌داد صنعت تنها از چهل درصد ظرفیت اسمی خود استفاده می‌کند با وزارت صنایع و معادن که منکر این رقم بود، در نهایت باعث شد وزیر صنایع و معادن در جلسه اتاق بازرگانی و صنایع و معادن قبول کند صنعت کشور دچار بحران است که این خود نشان از بی‌توجهی دولت نسبت به بهبود وضع صنایع داخلی داشت.

تعدادشان از رقم مشابه سال ۸۶ کمتر شده است. بر اساس آمارهای این گزارش، اگر مجوزهای صادرشده تبدیل به واحدهای تولیدی فعال شده بودند، باید اکنون حدود ۳/۸ میلیون نفر در بخش صنعت به کار مشغول می‌شدند؛ در حالی که بر اساس مجوزهای بهره‌بردار، کمتر از ۲ میلیون نفر در صنعت اشتغال به کار دارند. البته این آمارها لزوماً نشان‌دهنده اشتغال در بخش صنعت نیست، ولی مبین این موضوع است که اگر گرفتاری‌های موجود را نمی‌داشتیم، تا چه میزان می‌توانستیم به ظرفیت اشتغال کشور کمک کنیم.

در مهر ماه ۸۸ وزارت صنایع و معادن، گزارشی را منتشر ساخت که در آن وضع صنایع کشور در سال ۸۷

مورد بررسی قرار گرفته بود. این مطالعه نشان می‌دهد صدور جواز تأسیس - که تمایل به سرمایه‌گذاری صنعتی را نشان می‌دهد - نسبت به سال ۸۶ تا ۴۶ درصد کاهش یافته است. مسلماً در سال ۸۸ این کاهش به نحو بارزتری ادامه داشته و باید منتظر انتشار آمارهای آن بود. اخذ جواز تأسیس که کم‌تشریفات‌ترین اقدام یک سرمایه‌گذار برای ورود به صحنه تولید است، حتی از سال ۸۳، کمتر شده است. این گزارش نشان می‌دهد حتی آنها که در سال‌های گذشته جواز تأسیس گرفته بودند نیز در میان راه مانده‌اند؛ به طوری که ۲۰ هزار واحد صنعتی در اجرای پروژه خود پیشرفت ۲۰ درصدی داشته‌اند، ۲۳ هزار واحد پیشرفتشان ۴۰ درصد و حدود ۷ هزار واحد ۶۰ درصد پیشرفت کرده‌اند. این موضوع، خود نشان‌دهنده پا پس‌کشیدن کسانی است که به امید کمک‌های دولت، قدم در راه تولید گذاشته بودند و اکنون با ناامیدی، انتظار روزهای بهتری را می‌کشند. همچنین این گزارش نشان می‌دهد آنها که توانسته بودند نسبت به تکمیل طرح خود اقدام کنند و وارد عرصه تولید شوند،

به علاوه، با بحرانی که در اقتصاد جهانی به وجود آمد،